

تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ در میان دانشجویان

دانشگاه یزد

شکیلا مرادی^۱، علی روحانی^۲، سیدعلیرضا افشانی^۳

چکیده

نوجوانی فرایندی است که در آن هویت فردی و اجتماعی فرد متناسب با شرایط و فرهنگی که در آن حضور دارند شکل می‌گیرد. در کنار آن نوجوان در این مرحله از زندگی خود که فرایندی گذرا از کودکی به بزرگسالی است، با بحران‌های بی‌شماری مواجه می‌شود؛ بحران‌هایی که شکل‌گیری هویت و شخصیت او را تحت تأثیر قرار می‌دهد. یکی از فرایندهایی که منجر می‌شود نوجوان با تغییرات خاصی روبه‌رو شود، دوران پرسوزوگداز بلوغ است. گذار از این دوران که با تغییرات بدنی و روحی فراوانی همراه است، برای نوجوان آسان نیست، به خصوص اگر روند سپری شدن آن در بافت و فرهنگی مبتنی بر سنت، همچون یزد باشد؛ چراکه بازتعریف و بازاندیشی در برخی ابژه‌های فرهنگی در شهر سنتی کار دشواری است. به همین دلیل سعی شد در این پژوهش فرایند گذار در دوران بلوغ در یزد مورد بررسی علمی قرار گیرد. بر همین اساس با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد سیستماتیک و بر اساس ملاک‌های شمول، ۱۹ نفر از جوانان ۱۸ تا ۱۹ ساله در شهر یزد که به‌تازگی دوران نوجوانی را به پایان رسانده‌اند انتخاب شدند و با آنها مصاحبه‌های عمیقی صورت پذیرفت. انتخاب این جامعه بر اساس فاصله نسبی آنها از دوران بلوغ بوده است. داده‌های

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

۱. کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی در دانشگاه یزد

shakila929moradi@gmail.com

۲. دانشیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

aliruhani@yazd.ac.ir

۳. دکترای تخصصی، استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه یزد، ایران

afshanalireza@yazd.ac.ir



گردآوری شده به شیوه کدگذاری باز، محوری و گزینشی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌های مطالعه در قالب ۱۱ مقوله اصلی شامل بینش کور از بلوغ، دیده‌شدگی به واسطه بلوغ، حمایت‌نشده‌گی در بلوغ، جنسیت برجسته در بلوغ، مسئله بلوغ و محدودیت‌های اجتماعی، مسئله تغییر منفی در بلوغ و ... شدند. سپس در قالب کدگذاری محوری این داده‌ها در قالب مدل پارادایمی ارائه شدند و در نهایت در مرحله کدگذاری گزینشی نظریه تجربی پژوهش ارائه شد.

کلیدواژگان: بلوغ، محدودیت‌های اجتماعی، مردانگی، زنانگی، جنسیت، یزد.



تغییر تنها نیروی پایدار در جهان است (پیران، ۱۳۸۳، گیدنز، ۱۴۰۰). سرعت تغییرات در جهان رشد تصاعدی داشته و در این بین، سرعت تغییرات اجتماعی و فرهنگی هر روزه در حال گسترش بوده است و چندین برابر می‌شود؛ در واقع این تغییر و شرایطی که از آن به «دوران گذار» تعبیر می‌شود و از جمله توسط فرایندهای موسوم به جهانی شدن هم تشدید می‌شود، جامعه ایران را در برابر امواجی از تغییر و دگرگونی قرار داده است؛ در همین راستا اگرچه یزد با تغییرات گسترده اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراوانی در جهان روبه‌رو بوده است، اما با این حال فرهنگ مبتنی بر سنت خود را در عرصه‌های گوناگون زندگی و به‌ویژه در زندگی نوجوانان که در برهه حساسی از زندگی خود هستند حفظ کرده است که موجب نمود بیشتر اختلاف فرهنگی و فاصله نسلی می‌شود.

برخی از نظریه پردازان دوران نوجوانی را پرتنش و توأم با شور و هیجان می‌دانند. افراد در دوره نوجوانی دستخوش دگرگونی‌های چشمگیری می‌شوند که اغلب همراه با نوسانات پرشور عاطفی است و نوجوان را با احساسات متناقض و تحریک فیزیولوژیکی و ... روبه‌رو می‌سازد. استانلی هال^۱ برای بیان این دگرگونی‌ها مفهوم توفان و فشار را به کار برده است. همچنین او از این دوران به عنوان «تولد دوباره» یاد می‌کند، زیرا در این مرحله تکامل یافته‌ترین خصوصیات انسانی ظاهر می‌شود (حسین خانی، ۱۳۸۵).

در همین راستا نوجوانی را دوره فرایندهای رشدی انتقال از کودکی به بزرگسالی می‌دانند که این فرایندها جنبه‌های گوناگون رشد و نمو سازمان عصبی، رشد فیزیکی، رشد نظام جنسی یا تولیدمثل، رشد احساس خود و استقلال، کسب موقعیت بزرگسالی در گروه اجتماعی یا فرهنگ و رشد کنترل خود در تعامل با جامعه می‌دانند (نیوتون^۲، ۱۹۹۵، به نقل از مرادی، ۱۴۰۱).

این دوره از جمله مراحل در فرایند رشد است که بسیاری از نظریه پردازان در حوزه‌های مختلف روان‌شناسی و علوم اجتماعی به آن توجه می‌کنند و هرکدام از آنها برای این مرحله



اهمیت خاصی قائل شده‌اند. در این مرحله به دلیل تغییرات عمده‌ای که رخ می‌دهد به طور ویژه توجه متخصصان را به خود جلب کرده است. برخی از ادوار زندگی به دلیل تأثیرات فیزیکی با اهمیت تلقی می‌شوند و برخی دیگر از لحاظ تأثیرات روحی قابل اعتنا هستند، اما نوجوانی با توجه به هر دو مورد مهم است (شرفی، ۱۳۸۱: ۱۲)؛ به عبارت دیگر در این دوره از زندگی، فرد انعطاف‌پذیری ویژه‌ای دارد که خاص این دوره است، زیرا نوجوان تا قبل از این دوران، در دوران کودکی صرفاً به دستورها و خواش‌های اطرافیان وابسته است، ولی در نوجوانی به دلیل حس استقلال و خودمحموری که دارد سعی در تجربه و تصمیم‌گیری شخصی دارد، در واقع در خلال دوران نوجوانی تغییرات مهمی در نحوه نگاه و تفکر نوجوانان نسبت به خویش و محیط پیرامون رخ می‌دهد. آنها مراحل تغییرات شناختی را پشت سر می‌گذارند و در این میان چگونگی تلقی خود از خویش را تغییر می‌دهند.

به طور کلی دشوارترین دوره زندگی دوران بلوغ یا همان نوجوانی است؛ به طوری که ارسطو می‌گوید: «نوجوانان آتشی پرشورند و با مزاجی آتشین آماده می‌شوند که خود را به دست غرایز بسپارند.» چنین دوره‌ای، دوره پر کشمکش و دشوار زندگی است، زیرا نوجوانان با تغییرات جسمی، روانی و شناختی در رفتار و کردار و بیان دچار تغییرات کلی می‌شوند. فشار و نگرانی در نوجوانی فراوان است؛ چراکه فرد در این دوره هیجان‌انگیز، نوعی واکنش نسبت به تغییر و تحولات طبیعی از خود نشان می‌دهد. بسیاری از انحراف‌های رفتاری و عقیدتی افراد از همین دوره آغاز و با افزایش سن افراد، استوارتر و اصلاح آن دشوار می‌شود. داشتن اطلاعاتی درباره ویژگی‌های روانی، اجتماعی، بلوغ و نوجوانی می‌تواند زمینه‌ساز رابطه مناسب بین نوجوانان و والدین آنان شود (حسین‌خانی، ۱۳۸۵).

همچنین ژان ژاک روسو^۱ دوره بلوغ را «دوره تولید مجدد» می‌داند. دوران نوجوانی با تغییرات گسترده و متعدد و افزایش آسیب‌پذیری همراه است. معمولاً شروع بلوغ با بلوغ روانی زود هنگام یا دیر هنگام و خطرپذیری بالا همراه است و در نوجوانان دختر و پسر به شکل متفاوتی ظهور می‌کند (گیلبرت^۲، ۲۰۱۵، به نقل از نظری، ۱۴۰۰).

1. jean-jacques rosseau
2. gilbert



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذاردن بلوغ...

به نوعی دیگر می‌توان گفت نوجوانی و بلوغ یکی از بهترین مراحل زندگی آدمی و دوران شکل‌گیری هویت است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰). در این دوران نوجوان می‌کوشد که بین خود درونی و دنیای بیرونی خویش تمایز قائل شود. اریکسون^۱ این دوران را «دوران هویت» نامیده است؛ دورانی که نوجوان به دنبال هویت خود و هدفمند کردن زندگی و احساس مفید بودن است. اگر این دوران به درستی سپری شود و نوجوان در کسب هویت سالم توفیق یابد، احساس هدفمند بودن زندگی در او ایجاد خواهد شد و چنانچه نتواند هویتی سالم را در خود شکل دهد، از احساس تنهایی و از خود بیگانگی رنج خواهد برد و این ناشی از شکست او در تعیین نقش اجتماعی خویش است. با توجه به این مطلب شاید بتوان گفت مهم‌ترین چالشی که در این دوره برای نوجوانان ایجاد می‌شود بحران هویت و عدم شناخت از خود است. بسیاری از افراد هنگامی که دچار بیماری بحران هویت می‌شوند احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی و غربت می‌کنند و حتی گاهی به دنبال هویت منفی می‌گردند. آثار بعدی بحران هویت را می‌توان در پدیده‌هایی همچون مسئولیت‌پذیری، دل‌زدگی و بی‌تفاوتی جستجو کرد (خواجه‌نوری و همکاران، ۱۳۹۱؛ جعفری‌نژاد، ۱۳۸۷).

نوجوانی دورانی حساس، پرتنش و سرشار از فرازونشیب است؛ گذرگاهی از کودکی به سوی بزرگ‌سالی، مملو از ترس و امید، خوشحالی و غم و سرشار از تعارض و تناقض است؛ دوره‌ای است که فرد به الگوپذیری و کسب هویت از فرهنگ و جامعه می‌پردازد.

در دوران نوجوانی از سویی خانواده و ماهیت روابط خانوادگی کیفیت خاصی در هویت‌بخشی نوجوانان پیدا می‌کند. در دنیای معاصر وقتی از نوجوان و خانواده او صحبت می‌شود، تصویر به خصوص در ذهن بیشتر مردم تداعی می‌شود. چنانچه عنوان شد، اگرچه شهر یزد شهری صنعتی و پیشرفته است و در عرصه جهانی به لحاظ آثاری که دارد، شناخته شده است، اما همچنان بافت و فرهنگی برگرفته از سنت دارد. عده‌ای معتقدند که بخش عمده‌ای از تعارض‌های میان والدین و نوجوانان ناشی از مفهوم شکاف نسلی است که موجب دوری و تغییر در گروه مرجع نوجوانان می‌شود و از سوی دیگر نقش گروه هم‌سالان را



پررنگ تر می‌کند. همسالان بخشی از زندگی نوجوانان هستند که نوجوانان را حمایت می‌کنند تا وارد جامعه شوند. آنها به نوجوانان کمک می‌کنند تا تمرین الگوپذیری و نقش‌پذیری داشته باشند (گیدنز، ۱۳۸۵: ۱۰۵). ترنر^۲ و هلمز^۳ (۱۹۸۷) در بررسی خود دریافتند که با افزایش نیاز نوجوان به شناخت و پذیرفته شدن در نزد دیگری، گروه هم‌سالان به مانند عاملی اساسی در فرایند اجتماعی شدن نقش دارند و با توجه به کاهش وابستگی نوجوانان به خانواده، دوستی در این دوره بادوام‌تر، با استحکام‌تر و عمیق‌تر می‌شود؛ در همین راستا روابط دوستانه در زندگی نوجوانان، به ویژه در اوایل نوجوانی دختران، نقشی مؤثر دارد (برنت^۴، ۱۹۸۳، به نقل از فرانکل^۵، ۱۹۹۰)؛ چراکه نوجوانان ریشه نسلی مشترک دارند و فرهنگ جدیدی را برای خود بازاندیشی می‌کنند.

تجارب نشان می‌دهد که نوجوان روزبه‌روز در حال تغییر است. دغدغه‌ها و چالش‌های پیش روی نوجوانان در طول ادوار مختلف و با توجه به شرایط زمینه‌ای که در آن تربیت و پرورش می‌یابند متفاوت است، اما به هر حال همه نوجوانان مرحله نوجوانی را با یکسری ویژگی‌های بیولوژیکی مشابه تجربه می‌کنند. نوجوانان در این دوره به لحاظ مشکلات جسمی، شخصیتی، روانی، مشکلات خانوادگی، مشکلات اجتماعی، مشکلات دینی و اعتقادی، مشکلات تحصیلی و به لحاظ مهارتی دچار بحران می‌شوند و عدم توجه به هر یک از این مشکلات و چالش‌های پیش روی نوجوانان تأثیرات جبران‌ناپذیری در آینده روی فرد دارد (ایمان و روحانی، ۱۳۹۲)؛ به عبارت بهتر به تبع تغییرات و چالش‌های که به واسطه نوجوانی و بلوغ برای فرد رخ می‌دهد، افراد با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند که نیازمند بررسی و چاره‌اندیشی هستند؛ از این رو در کشور ما همواره این دیدگاه وجود داشته است که جوانان آینده‌سازان جامعه هستند؛ در واقع این گروه از جمعیت کشور یکی از اصلی‌ترین مؤلفه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آینده جوامع به شمار می‌روند و نقش مؤثر و

1. Giddens
2. Turner
3. Holmes
4. Berentt
5. Frankl



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

حیاتی را در رشد بشریت یک کشور ایفا می‌کنند. با توجه به اینکه بیشترین درصد نیروهای انسانی جوامع در حال توسعه را جوانان تشکیل می‌دهند، توجه به دوران نوجوانی و گذر از بحران زیستی اجتماعی این جوانان و توجه به دغدغه‌ها و چالش‌های پیش روی آنان در هر فرهنگی، به خصوص فرهنگی که زمینه و ساختار سنتی دارد، در اولویت است؛ چراکه توجه به آنان در این رده سنی به معنای پرورش نیروی سالم و زبده برای آینده کشور است. چه بسا نوجوانانی که هدف‌های والا داشتند، اما با کم‌توجهی نسبت به این دوره، تمام آن هدف‌ها نقش بر آب شده و این فرصت طلایی مانند رؤیایی شیرین و به سرعت یک خیال در ذهن آنان گذشته است؛ به همین سبب بررسی چگونگی گذران دوران بلوغ و نوجوانی مورد توجه این پژوهش است.

چهارچوب مفهومی

نتایج تحقیق کلاته‌ساداتی و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که تجربه بلوغ نزد دختران پدرسرپرست، موضوعی پدران و مردانه است که با شیوه رفتار پدر مرتبط است. برخلاف پدران بی‌اعتنا به موضوع، دخترانی که پدران آنها سعی بر درک مسئله دارند، بهتر می‌توانند موضوع را مدیریت کنند. نتیجه اینکه تجربه بلوغ دختران؛ اگرچه با تغییرات زیستی آنها مرتبط است، اما عمدتاً برساختی است متأثر از دیدگاه پدر و رفتار و نقش پدرا نه او در این زمینه؛ در واقع در دختران پدرسرپرست، تجربه بلوغ، یک بازتولید اجتماعی مردانه و پدرا نه است که ارزش‌ها و هنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی بر آن استوار است.

نتایج تحقیق ابویی و همکاران (۱۴۰۲) نشان می‌دهد افزایش کفایت اجتماعی و پذیرش اجتماعی مادران، بلوغ اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را پیش‌بینی می‌کند. مادرانی که توانایی تفکر، حل مسئله و عزت‌نفس بالایی دارند می‌توانند با ارائه بازخوردهای سازنده به رشد مهارت‌های اجتماعی در فرزندان خود کمک کنند. طبق یافته‌های باقری کراچی و همکاران (۱۳۹۷)، لازم است دانش‌آموزان آموزش‌های لازم در رابطه با بلوغ و تغییر و تحولات ناشی از آن را دریافت کنند؛ چراکه اطلاع و داشتن آگاهی از تغییر و تحولات بلوغ علاوه بر ارتقا سلامت جسمی، باعث جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی نیز می‌شود. برحسب



نتایج عباسی و همکاران (۱۳۹۹)، نشان داده شد که بین متغیرهای تحقیق رابطه معناداری وجود دارد؛ با این همه توجه لزوم مدیریت شبکه‌های اجتماعی به منظور کنترل و مدیریت بلوغ جنسی زودرس موضوعی مهم و کلیدی است. یافته‌های پژوهش بهرامی و همکارانش (۱۳۹۶) نشان داد که بیشتر شرکت‌کنندگان، دچار تجربیات سخت و تنش‌زدایی در دوران بلوغ شده‌اند و گاه برخی از مشکلات فرد را دچار بحران کرده است. به نظر می‌رسد باید برای رفع یا کاهش این مشکلات سه عامل عمده تربیتی یعنی خانواده، مدرسه و جامعه نقش فعال داشته باشند. نتایج مطالعه غلامی (۱۳۹۹) حاکی از آن است که بلوغ زودرس باعث ایجاد چالش‌های مضاعفی در زمینه‌های جسمی، روان‌شناختی و اجتماعی مانند فشار نقش، تعلیق و عزت‌نفس شکننده می‌شود. می‌توان نتیجه گرفت که بلوغ زودرس در دختران با ایجاد چالش‌های جسمی و روانی همراه است و مشکلات روانی می‌تواند از مشکلات جسمی پیشی بگیرند و چالش‌های بیشتری را برای افراد ایجاد کنند و حتی در بزرگسالی نیز برای فرد حل نشده باقی بمانند.

محسنی‌زاده و همکارانش (۱۳۹۶) به این نتیجه رسیدند که اگرچه آموزش بهداشت دوران بلوغ نتوانست به‌طور معناداری نمره‌های سلامت عمومی دانش‌آموزان را افزایش دهد، اما نتوانست تا حدی با افزایش آگاهی دانش‌آموزان در ارتقای میانگین نمره‌های سلامت عمومی آنها مؤثر باشد. افزایش سلامت عمومی نیازمند آموزش‌های مداوم و مکرر است؛ بنابراین ضروری است که مسئولین، به‌خصوص پرستاران یا مربیان بهداشت مدارس هرچه بیشتر به این مسئله توجه کنند تا از مشکلات دختران در این دوران کاسته شود. کشاورز، میرزایی و محمدجانی (۱۳۹۷) به تعریف دوره نوجوانی و بلوغ و برخی ویژگی‌ها و هویت و انواع آن و دوست‌یابی و شرایط حاصل از آن با هدف شناخت و بررسی بلوغ و بحران هویت می‌پردازند. نتایج پژوهش اسمیت و همکاران^۱ (۲۰۲۱) نشان می‌دهد سه چالش اصلی دختران عبارت‌اند از: دانش ناکافی قاعدگی و آمادگی عملی برای مدیریت دوره‌ها؛ چالش‌های مرتبط با درد قاعدگی؛ چگونه قاعدگی مانع فعالیت‌های فیزیکی و ورزشی دختران در مدرسه می‌شود؛



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

بنابراین به راهنمایی بهبودیافته در مورد عملکردهای مدیریت پریرود و راهبردهای حمایت از دخترانی که درد قاعدگی دارند، نیاز داریم. درنهایت با توجه به مزایای فعالیت بدنی بر سلامت دختران، رویکردهای جدیدی برای بهبود تجربیات ورزشی و فعالیت بدنی آنها در دوران قاعدگی مورد نیاز است. وارگس (۲۰۱۹) در تحقیق خود نشان داد که بین فناوری اطلاعات و ارتباطات، آسیب‌های اجتماعی و رفتار مشارکت در فعالیت‌های جوانان بمبئی هند رابطه متقابل وجود دارد. ویلیامز (۲۰۱۸) پی برد که دخترانی که با بلوغ زودرس مواجه می‌شوند، نوسانات خلقی، سستی عاطفی و تحریک‌پذیری بیشتری را تجربه می‌کنند. تغییرات جسمی بلوغ ممکن است باعث احساس شرم، خجالت، ناامیدی یا عدم امنیت و همچنین ترس از اظهارنظر هم‌سالان شود.

نتایج پژوهش سیمونز و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نشان داد نوجوانانی که پدران خشن دارند، رفتارهای توهین‌آمیز بیشتری انجام می‌دهند و بیشتر نوجوانان با پدران غایب، از مواد استفاده می‌کنند. ویادیاتوتی^۲، شاپرینا^۳ و نورساشی^۴ (۲۰۱۸) نشان دادند که ارتباط باید در جهت رشد نوجوان باشد و یک برنامه ترویجی برای والدین و نوجوانان با موضوع ارتباطات تدارک ببینند. ویببلینک و همکاران^۵ (۲۰۱۷) نشان دادند که نوع تکرار جرم، نوع بزه‌کاری و جنسیت بر جهت و میزان ارتباط بین تکرار جرم و اختلال‌های درونی و بیرونی تأثیر می‌گذارد. نتایج کریستین و ژولیت (۲۰۱۷)، حاکی از تأثیر آموزش بلوغ در ارتقای سطح آگاهی، بهداشت، ایمنی و سلامت دانش‌آموزان بود. نتایج پژوهش فرناندز و ویرا (۲۰۰۸) بیانگر ناتوانی و مشکلات مختلف والدین و خانواده‌ها در زمینه تربیت جنسی فرزندان خود و انتظار و درخواست آنها از مراکز آموزشی برای توجه به این حوزه است. براساس نظرات والدین، آنها ترجیح می‌دهند که مدارس و معلمان حرفه‌ای آموزش مسائل جنسی به فرزندان را بر عهده گیرند.

1. Simmons et al.
2. Widyatuti
3. Shabrina
4. Nursasi
5. Wibbelink



یافته‌های کیکازو و کاسازا (۲۰۰۷) حاکی از تأثیر آموزش در ارتقای آگاهی و عزت نفس دختران نوجوان در زمینه بهداشت بلوغ است. پژوهش کپیدیاکنندو و همکاران (۲۰۱۴) نشان می‌دهد که این برنامه‌ها در بهبود رفتارهای بهداشتی مؤثر و به‌راستی بلوغ دروازه‌ای از دوره کودکی به دوره نوجوانی است که در این دروازه باید بذریه‌های مسائل بهداشتی کاشته شود. امکامبو (۲۰۰۹) در پژوهش خود به تحلیل کتاب‌های مطالعات اجتماعی، علوم، تعلیمات مدنی و زیست‌شناسی پرداخت. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نخست، تنها چند جنبه از آموزش جنسی، به‌ویژه در رابطه با اچ‌آی‌وی (ایدز) در برنامه درسی مدرسه ملی تانزانیا پوشش داده می‌شوند و توجه دیگری بر دیگر جنبه‌های آموزش جنسی ندارد. همان‌طور که مشخص است بسیاری از پژوهش‌های صورت‌گرفته کمتر در رابطه با مسئله پژوهش بوده‌اند. در ادامه به بررسی محدود نظریه‌های مرتبط در این زمینه خواهیم پرداخت.

لورا برک دوره نوجوانی را به سه مرحله تقسیم می‌کند: اوایل نوجوانی (۱۱ تا ۱۴ سالی)، این دوره تغییرات بلوغ سریع است؛ اواسط نوجوانی (۱۴ تا ۱۶ سالگی) که تغییرات بلوغ تقریباً کامل شده است. اواخر نوجوانی (۱۶ تا ۱۸ سالگی) که نوجوانان کاملاً ظاهر بزرگ‌سالی کسب می‌کنند و انتظار دارند که نقش‌های بزرگ‌سالی را بر عهده بگیرند. هرچه محیط اجتماعی به نوجوانان در رسیدن به مسئولیت‌های بزرگ‌سالی بیشتر کمک کند، آنها بهتر سازگار می‌شوند. به‌رغم تنش‌های زیستی و بلا تکلیفی درباره آینده که نوجوانان احساس می‌کنند، اغلب آنها با موفقیت از پس این دوره برمی‌آیند (برک، ۲۰۰۷).

فیشر که متأثر از نظر پیاژه است، یک روند رشدی مشتمل بر چهار سطح را پیشنهاد می‌کند و برای هر سطح چهار مرحله رشدی در نظر می‌گیرد. انتقال به نوجوانی منطبق بر سطح چهارم (سطح انتزاعی) است. در اولین مرحله این سطح، نوجوان قادر به انتزاع‌های ساده درباره خود، احساس‌ها، واقعه‌ها، اشیا، افراد دیگر و مؤسسه‌ها است. در مرحله دوم، او متوجه می‌شود که یک امر انتزاعی ممکن است به یک امر انتزاعی دیگر مربوط باشد. این مرحله «تناظر» نامیده می‌شود. در مرحله بعدی یا در اواسط نوجوانی، فرد اندک‌اندک کشف می‌کند که برخی از انتزاع‌ها متعارض با انتزاع‌های دیگر است، یعنی برخی از قواعد و ویژگی‌های نسبت‌داده‌شده به گروه‌های معینی از مردم با قواعد و ویژگی‌های دیگری که به



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

سایر گروه‌های مردم نسبت داده می‌شود، در تعارض است. نوجوان برای حل این تعارض‌ها می‌کوشد تا توانایی سازمان دادن یک نظام از انتزاع‌هایی را به دست آورد که به صورت تقریباً متناقضی باهم جور درمی‌آید، اما در عرصه‌های مختلف زندگی او اهمیت عملی دارد. در آخرین مرحله، فرد در پی کشف اصول عمومی برای سازمان دادن نظام‌های انتزاعی است.

از نظر دانیل کیتینگ (۱۹۸۰) پنج ویژگی اساسی تفکر این دوره عبارت‌اند از:

الف. تفکر دربارهٔ ممکنات: برخلاف کودکان دبستانی که استدلال‌های ساده‌ای از مشاهدات خود به عمل می‌آورند، نوجوانان به ممکنات و احتمالات دیگری نیز که به طور مستقیم در معرض نظرشان نیست، فکر می‌کنند.

ب. تفکر آینده‌نگر: نوجوانی دوره‌ای است که فرد به انجام کارها در آینده و در بزرگسالی خود فکر می‌کند.

ج. تفکر با کمک فرضیات: نوجوان در مقایسه با کودک دبستانی، بیشتر به آزمون فرضیه‌ها می‌پردازد و اغلب به موقعیت‌هایی متفاوت از واقعیت‌های ساده فکر می‌کند.

د. اندیشیدن به تفکر: در دورهٔ نوجوانی، اندیشیدن به فرایندهای فکر خود، یعنی تفکر فراشناختی، پیچیدگی بسیار بیشتری می‌یابد. نوجوان در این دوره می‌تواند قوانینی را از مجموعهٔ قوانین موجود استخراج، قوانین نظام جداگانه را با یکدیگر مقایسه کند و نتیجه بگیرد و به طور نظام‌وار و عمیق به طرز فکر و خواسته‌های دیگران فکر کند.

ه. تفکر در ورای حدود قراردادی: نوجوانان از توانایی‌های جدید خود برای بررسی مجدد مسائل اساسی مربوط به مناسبات اجتماعی، اخلاقیات، سیاست و مذهب استفاده می‌کنند. آنان تلاش می‌کنند تا راه‌حلی برای تعارض میان ایدئال‌های موجود در مسائل مذکور و عملکرد واقعی بزرگسالان پیدا کنند و راه صحیحی را برای خود برگزینند (لطف‌آبادی، ۱۳۹۳).

«خودمرکزبینی نوجوانی» که الکیند (۱۹۸۱) از آن نام می‌برد، اساساً ناشی از تحولات دورهٔ نوجوانی و به ویژه تحول شناختی نوجوان است. نوجوان دچار این تصور می‌شود که همیشه تحت نظر است و نوعی مخاطب خیالی شاهد اعمال اوست؛ به همین دلیل نسبت به همهٔ اعمال و حرکات و وضع ظاهر و باطن خود حساس است. او همچنین دچار یک افسانهٔ



شخصی است و معتقد است که از وضعیت بی‌همتای هم‌تا برخوردار است. این احساس بی‌همتایی ممکن است باعث شود که فکر کند حوادث و خطرها شامل حال او نخواهد شد و با این تصور غلط، خود را به مخاطرات بزرگ دچار سازد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۳).

مارگارت مید معتقد بود که در بررسی ماهیت بحرانی نوجوانی نقش نهادها و ارزش‌های فرهنگی در شکل‌گیری رفتار کودکان و نوجوانان در نظر گرفته شود (احدی و جمهری، ۱۳۸۹). مید دیدگاه دیگری را مطرح ساخت که به موجب آن، محیط اجتماعی کاملاً مسئول تجربیات نوجوانان است، از تجربیات آشفته و پریشانی گرفته تا تجربیات آرامش‌بخش و بدون استرس (برک، ۲۰۰۷). این قبیل مطالعات فرهنگی به ارائه مفهوم جبرگرایی فرهنگی و نسبیت فرهنگی منجر شدند؛ بدین معنا که در فرهنگ‌های مختلف، شخصیت‌های متفاوت شکل می‌گیرد. خانم رودت بندیک مردم‌شناس دیگر نیز اطلاعات وسیعی را در زمینه نقش فرهنگی بررسی کرده است. او استدلال می‌کند که مشکل عمده نوجوان بیشتر به پیوستگی یا ناپیوستگی نقش فرهنگی آنان بستگی دارد. در برخی از جوامع، میان نقش دوران کودکی و بزرگ‌سالی نوعی پیوستگی به چشم می‌خورد، درحالی‌که در جوامع دیگر، بین این دو نقش شکافی عمیق وجود دارد (برک، ۲۰۰۷).

به‌طورکلی تا حدودی پژوهش‌ها و نظریاتی که به هر نحوی با موضوع پژوهش هم‌راستا بوده است، بیان شد. نظریات ذکرشده، هرکدام به نحوی بستر و شرایطی که نوجوان به‌نوعی با آن مواجه بوده بیان کرده‌اند. به‌طورکلی با توجه به نظرات ارائه‌شده سعی شده است تا پژوهش حاضر هم‌راستا و بهره‌مند از نظریات و پژوهش‌های پیشینی باشد، اما چنانچه پیداست پژوهش‌های پیشینی به چگونگی گذر از شرایط بلوغ و موانع و مشکلات آن نپرداخته‌اند؛ در همین راستا در این پژوهش سعی بر آن بود تا روند گذر از بلوغ و منابع اطلاعاتی در این دوران مورد بررسی قرار گیرد.



روش‌شناسی

پژوهش حاضر بر اساس روش‌شناسی کیفی و رویکرد نظریه‌زمینه‌ای (شیوه سیستماتیک) انجام شده است. در این روش، گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریه‌نهایی با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ هستند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند، بلکه کار را در عرصه واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد پدیدار شود؛ بنابراین نظریه پدیدار شده به «واقعیت» نزدیک‌تر می‌شود و می‌تواند بصیرت‌افزا باشد و فهم را تقویت کند و راهنمای عمل باشد (اشتراوس و کربین، ۱۳۹۰: ۴۶). در این مسیر پس از شکل‌گیری خطوط کلی مصاحبه‌ها بر اساس مفاهیم و مقوله‌ها، به تدریج مصاحبه‌ها نظری‌تر و تخصصی‌تر شدند و بر جمع‌آوری اطلاعات خاص افزوده شد. همچنین فرایند جمع‌آوری داده‌ها تا رسیدن به اشباع نظری بر اساس نمونه‌گیری نظری ادامه یافت. فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها از پیاده‌سازی و مکتوب‌کردن داده‌ها و در واقع نسخه‌برداری دقیق و کلمه‌به‌کلمه، سازمان‌دهی و ذخیره آنها آغاز می‌شود و با اجرای مراحل دیگری اعم از سه فرایند کدگذاری باز، محوری و گزینشی و مرتبط‌کردن مقوله‌ها به یکدیگر در جهت توسعه خط داستان و طرح مدل پارادایمی و نظریه مستقر در داده‌ها ادامه یافت. در این مسیر، با شروع نخستین مرحله کدگذاری، یعنی کدگذاری باز، متن سطر به سطر و گاهی کلمه‌به‌کلمه تحلیل شد و سعی شد از کدهای اولیه و جنینی به عنوان واژگان‌گیری که در سخن مشارکت‌کنندگان بلافاصله نظر پژوهشگر را جلب می‌کنند استفاده شود تا معنای کنش‌ها و دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان حفظ شود. در مرحله بعد، مفاهیم به دست آمده به مقوله‌های فرعی و مقوله‌های اصلی تقلیل یافت. برچسب‌گذاری مقوله‌ها در این مسیر بر اساس شناسایی ویژگی‌ها و ابعاد مفاهیم تشکیل‌دهنده آنها صورت گرفت. سپس مقوله هسته در ارتباط با مقوله‌های فرعی و اصلی دو مرحله قبل خود و بر اساس تکنیک مقایسه‌ای ثابت بر ساخت شده است.

در نهایت از ارتباط تمامی مقوله‌ها با همدیگر و نتیجه آنها خط داستان کلی پژوهش استخراج شده است (ایمان، ۱۳۸۸). در این مسیر، مقوله‌های مختلف پژوهش به هم مرتبط شدند و در پرتو آن مسیر کلی تجربه مشارکت‌کنندگان و جریان حاکم بر پژوهش ظهور یافت



که در بخش یافته‌های پژوهش به همراه نقل قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان روایت شده است. تشریح فرایند و جریان گزاره‌ها در قالب خط داستان کمک می‌کند تا انسجام و نظم مفاهیم و مقوله‌های کشف شده و ارتباط بین آنها به گونه‌ای منسجم‌تر و قابل فهم‌تر مطرح شود.

سپس پژوهشگر برای نشان دادن ساختار و فرایند پژوهش، مدل پارادایمی را طراحی کرد؛ بدین صورت که پدیده مرکزی پژوهش در مدل پارادایمی مشتمل بر شرایط علی، یعنی عواملی که مشخصاً به ظهور پدیده منجر می‌شوند؛ شرایط زمینه‌ای، یعنی عواملی که راهبردهای مشارکت‌کنندگان در بستر آنها رخ می‌دهند و بیشتر شامل عوامل فردی و خاص در زندگی نامه مشارکت‌کننده هستند و به طور کلی پدیده پژوهش را تخفیف یا تشدید می‌کنند؛ شرایط مداخله‌گر شامل عوامل گسترده و کلانی که بیشتر به نیروهای کلان سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مربوط می‌شوند و از بیرون و از پیش موجودند و در تخفیف یا تشدید پدیده مرکزی و در انتخاب راهبردهای مشارکت‌کنندگان نقش دارند؛ راهبردها مشتمل بر کنش‌هایی که مشارکت‌کنندگان در واکنش به پدیده‌ای در متن و تحت تأثیر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر دارند و پیامدهای منتج از راهبردها ترسیم می‌شود.

به طور کلی پژوهش کیفی رویکردی است که بر تعاملات انسانی استوار شده است و با توجه به همین موضوع، اغلب ملاحظات اخلاقی در پژوهش‌های کیفی در مقایسه با پژوهش‌های کمی از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. این امر از ویژگی ذاتی پژوهش کیفی نشئت می‌گیرد که مستلزم تماس شخصی نزدیک و درازمدت با محیط پژوهش و مصاحبه‌های عمیق با افراد مورد مطالعه است. در این پژوهش برای حفظ محرمانگی اطلاعات از اسامی مستعار برای مشارکت‌کنندگان در سرتاسر پژوهش استفاده شد. افزون بر این با رعایت ملاحظات اخلاقی چون موافقت افراد مورد مطالعه، خودداری از متفاوت جلوه دادن شرایط و فریب کاری، پرهیز از ضرر و زیان به مشارکت‌کنندگان و صحت و عدم دست کاری در داده‌ها و ویژگی پژوهش علمی و رفتار اخلاقی را رعایت کردیم (حریری، ۱۳۸۵: ۲۹-۳۲).

گردآوری از میان جوانان نو ورود ۱۸ تا ۱۹ سال دانشجوی دانشگاه یزد بوده و سعی شده است که گردآوری مصاحبه‌ها در مکان‌های مختلف از جمله فضای سبز، محیط دانشگاه،



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

خوابگاه دانشجویی و مانند آنها گردآوری شود. مدت زمان مصاحبه‌ها بین ۳۰ دقیقه تا ۱ ساعت و ۴۵ دقیقه متغیر بوده است. تفاوت زمانی مصاحبه‌ها گاهی ناشی از وقت پاسخ‌گو، میزان تجارب غنی او و میزان تمایل او برای بیان تجارب خود بود و از جانب دیگر، به سبب شکل نگرفتن مقوله‌ها و مفاهیم، پرسش‌های ابتدایی محدود و کلی بوده است که به تدریج، به تناسب شکل‌گیری مقوله‌های فرعی و سپس اصلی، ابعاد و جزئیات بیشتری بررسی و سؤال می‌شد که صرف وقت بیشتری را برای پاسخ‌گویی می‌طلبید. دلیل انتخاب این بازه سنی به شرایط اجتماعی چند سال اخیر برمی‌گردد؛ در واقع در تعیین ملاک‌های شمول سعی شد دانشجویانی مورد مصاحبه قرار بگیرند که در سال اول دانشجویی باشند و به نوعی از دوران بلوغ گذر کرده‌اند. این انتخاب به این خاطر بوده است که این قشر با فناوری مجازی آشنایی بسیاری داشتند و به واسطه همه‌گیری کووید ۱۹ با آن عجین بودند، سبک زندگی مجازی پیدا کرده بودند و ورود به دوره جوانی‌شان از دریچه این تجارب بوده است؛ در واقع آنان نسلی مجازی و در آستانه جوانی بودند؛ به همین دلیل به طور هدفمند این گروه از دانشجویان مورد مصاحبه قرار گرفتند. مصاحبه‌ها از اردیبهشت‌ماه تا تیرماه ۱۴۰۱ به طول انجامید. در ادامه در جدول شماره ۱ فهرست مشارکت‌کنندگان ارائه شده است.

جدول شماره ۱: فهرست مشارکت‌کنندگان

وضعیت	سن	اسم	ردیف	وضعیت	سن	اسم	ردیف
دانشجو	۱۹	میثم	۱۱	دانشجو	۱۹	ارشیا	۱
	۱۹	آرزو	۱۲		۱۸	علی	۲
	۱۹	یلدا	۱۳		۱۹	عباس	۳
	۱۸	بهنام	۱۴		۱۹	محمود	۴
	۱۹	آرمان	۱۵		۱۸	فرشته	۵
	۱۹	سوگند	۱۶		۱۹	مهرداد	۶
	۱۹	مهدی	۱۷		۱۸	زهرا	۷
	۱۸	ملیسا	۱۸		۱۹	مریم	۸
	۱۹	بهمن	۱۹		۱۸	محدثه	۹
					۱۹	میینا	۱۰



طبق مشخصات درون جدول، تعداد مشارکت کنندگان ۲۰ نفر بوده که از این تعداد ۱۰ نفر پسر و ۹ نفر دختر و ۱ تراجنسیتی بوده‌اند.

یافته‌های پژوهش

با تحلیل خط به خط و بررسی دقیق متن مصاحبه‌های تحقیق، مفاهیم، مقوله‌های فرعی اصلی و درنهایت مقوله هسته در طی فرایند دقیق و طولانی مفهوم‌پردازی و ارائه شد. درنهایت مقوله هسته با عنوان تحدید و تهدید بلوغ از ۱۱ مقوله اصلی، ۱۸ مقوله فرعی و مفهوم برساخت شد که در جدول شماره ۲ نشان داده شده است. در ادامه مقوله‌های اصلی پژوهش شرح داده می‌شوند.

جدول شماره ۲: مقوله‌های اصلی و هسته استخراج شده

مقوله هسته	مدل پارادایمی	مقوله‌های اصلی
تحدید و تهدید بلوغ	شرایط علی	بینش کور از بلوغ
	شرایط زمینه‌ای	دیده‌شدگی به واسطه بلوغ
		حمایت‌نشدگی در بلوغ
		خوش‌گذرانی در بلوغ
		حمایتگری در بلوغ
	شرایط مداخله‌گر	جنسیت برجسته در بلوغ
	پدیده	مسئله بلوغ و محدودیت‌های اجتماعی
	راهبرد	مسئله تغییر منفی در بلوغ
	پیامد	مسئله حسرت و پشیمانی از بلوغ



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

		گذار پرگداز از بلوغ
		مدیریت موفق

خط داستان مقوله هسته: تحدید و تهدید بلوغ

شرایط علی

شرایط علی بیان‌کننده وقایع، حوادث و رویدادهایی هستند که به وقوع یا گسترش پدیده منجر می‌شوند و بر پدیده مورد نظر تقدم دارند. در پژوهش پیش رو شرط علی، بینش کور از بلوغ است؛ به‌طور کلی دوران بلوغ تغییرات جسمی و روانی بسیاری را برای فرد به همراه دارد. این تغییرات گاهی چنان سریع رخ می‌دهد که برای فرد غافلگیرکننده است و فرد دچار شوک و بهت زدگی می‌شود. چه بسا افرادی که هیچ شناخت و بینشی از دوران بلوغ ندارند و به تبع آن شوک و غافلگیری از تغییرات بلوغ در آنها بیشتر نمود پیدا می‌کند و تأثیرات روحی‌روانی برای فرد در پی خواهد داشت. هرچه میزان آگاهی و شناخت از بلوغ و چالش‌های آن بیشتر باشد، توان رویارویی و سازگاری با تغییرات آن برای فرد آسان‌تر است و پیامدهای منفی کمتری به دنبال دارد. محمود می‌گوید:

«نه اصلاً شناختی نداشتم. از دوران دبیرستان به‌همون می‌گفتم که خودمون رو باهاش آشنا کردیم و می‌گفتن، ولی شناخت درستی نداشتم».

از سوی دیگر در دایره ارتباطی فرد اطلاعات پیشینی به فرد داده نمی‌شود یا اطلاعات مربوط با چاشنی طنز بوده است و آگاهی درستی به فرد داده نمی‌شود. محدثه می‌گوید:

«نه هیشکی بهم نگفت... تو مدرسه و اینا چیزی در مورد بلوغ نمی‌گفتن و فقط می‌گفتن بینیت بزرگ می‌شه [خنده کنایی]».

در همین راستا فرد بدون آگاهی با شرایط و تغییرات بلوغ مواجه و دچار شوک اولیه می‌شود. آرزو می‌گوید:



«اولش یکم ترسیدم، ولی بعدش اوکی بود. صحبتای مامانم و اطرافیانم که می‌گفتن عادیه و همه همینن باعث شد خوب بشم».

شرایط زمینه‌ای

در کنار شرایط علیّی ما شرایط زمینه‌ای را داریم که شرایط زمینه‌ای شامل ویژگی‌هایی است که خاص کنشگران و بستر و میدان پژوهش است (کرسول، ۲۰۰۷). چنانچه پیداست شرایط زمینه‌ای شامل دیده‌شدگی به واسطه بلوغ، حمایت‌نشده‌گی در بلوغ، خوش‌گذرانی در بلوغ و حمایت‌گری در بلوغ است. دیده‌شدگی به واسطه بلوغ را می‌توان چنین توصیف کرد: بلوغ علاوه بر تغییراتی که برای فرد به وجود می‌آورد، برای والدین و اطرافیان آنان نیز تغییراتی به همراه دارد و خانواده و اطرافیان قبول می‌کنند که فرد دیگر کودک نیست و در بسیاری از امور و روابط مراعات می‌کنند و رفتاری درخور فرد بالغ از خود نشان می‌دهند. به فرد مسئولیت‌هایی داده می‌شود و از سویی با اهمیت دادن به او و خواستن نظراتش حس امنیت و اهمیت را به وی القا و احساس استقلال فردی را در او تقویت می‌کنند. عباس می‌گوید:

«اینکه تو بزرگ شدی و اینا که همه قاعدتاً می‌گن، یکم

باهام چیز شدن، یکم باهام سرسنگین تر شدن».

یا چنانچه گفته شد حس بزرگ‌شدن را به فرد القا می‌کنند و برخی اصولی اخلاقی متناسب با شرایط سنی فرد را یادآور می‌شوند. بهمن می‌گوید:

«آره! مثلاً بعضیا می‌گفتن دیگه بزرگ شدی و این جور کارا

برا بچه‌هاس».

گاه این چنین مصلحت‌اندیشی‌های سنی باب میل فرد نیست و واکنش‌های فرد را به همراه خواهد داشت. یلدا می‌گوید:

«نه... فقط دعوا می‌کردیم و من قهر می‌کردم و هی می‌گفتن

این کارو بکن، اون کارو نکن و به سن تو نمی‌خوره و تو بزرگ



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

شدی... این کار بچه‌گونه‌س و به درد تو نمی‌خوره... تو باید بزرگ

شدی این جور رفتار کنی!»!

دومین مورد از شرایط علی، حمایت‌نشده‌گی در بلوغ است. افراد با شروع بلوغ دچار تغییرات روانی شده و به نسبت نیازمند حمایت روحی روانی و توجه بیشتری هستند. حمایت‌نکردن و درک‌نشده‌گی در این دوران ضربه‌های جبران‌ناپذیری به آنان وارد می‌کند. خانواده و به‌طورکلی تر جامعه باید از تغییرات روانی و فیزیولوژیک نوجوان آگاهی داشته باشند، پذیرای آن باشند و به آنان آگاهی لازم را بدهند و مرحله‌به‌مرحله از آنان حمایت کنند. فرد در صورت حمایت‌نشدن در دوران بلوغ با استرس و اضطراب روبه‌رو می‌شود. زهرا می‌گوید:

«کلاً راهش رو خودم رفتم و حمایتی هم تو این دوره

نداشتم...».

گفتنی است برخی خانواده‌ها در شفاف‌سازی این چنین مسائلی ناتوان‌اند و یا به‌طورکلی توانایی فضا‌سازی ارتباطی صمیمی را با فرزندان خود ندارند و بنا بر چنین شرایطی فرد از حمایت والدین محروم می‌ماند. فرشته می‌گوید:

«نه [کسی حمایت نمی‌کرد]! اصلاً با خانواده‌م راحت

نبودم».

علاوه بر موارد گفته‌شده خوش‌گذرانی در بلوغ نیز شرط علی دیگری است. برخی افراد با توجه به شرایط و تجربه خود، علی‌رغم پیامدهای نه‌چندان خوب، به خوشی و خوش‌گذرانی در این دوره پرجالش اقرار و خوش‌گذرانی در این برهه پردغدغه از زندگی را توصیه کرده‌اند. سوگند می‌گوید:

«دو سالش که نفهمیدم چی شد، ولی یه سالش رو خوش

گذروندم. من آدمی‌ام که سر کلاس گوش می‌دم و یه بار بعدش

می‌خونم و به نظرم کافیه... بیشتر از این نمی‌خوام... برا کنکور

ولی زیاد خوندم».



یا برحسب توصیه‌های پیشینی دیگران سعی در استفاده از این دوران داشته‌اند. سوگند می‌گوید:

«فقط بهم می‌گفتن دوران خیلی خوبیه، خوب ازش استفاده

کن! دیگه برات پیش نمی‌آد و برنمی‌گرددی به دوران دبیرستان».

و درنهایت آخرین شرط علی مستخرج از داده‌ها، حمایت‌گری در بلوغ است. حمایت‌گری خانواده در بلوغ اهمیت و نقش اساسی دارد؛ به‌طورکلی خانواده‌ای که ارتباطات مؤثر با فرزند خود دارد و حمایت بیشتری از او داشته باشد، فرد را از آسیب و خطرات احتمالی در بیرون از خانه دور نگه می‌دارد. تداوم حمایت و روابط عاطفی در خانواده می‌تواند فرد را از رفتارهای ناسالم دور نگه دارد و محیطی ایمن را برای فرد مهیا کند. چون نقش دوستان و گروه هم‌سالان در این دوره زیاد است، خانواده می‌تواند در محیطی امن دوستی‌های سالم را برای فرزند خود ایجاد کند و از کیفیت روابط فرزندان خود مطلع شود. حمایت و راهنمایی درست می‌تواند فرد را در مسیر درست قرار دهد. محمود می‌گوید:

«استادا حمایت می‌کردن، دوران دبیرستان همون اول

استادا حمایت می‌کردن و ما هم تلاش می‌کردیم دچار

مشکلات بلوغ نشیم».

مبینا می‌گوید:

«بابام حمایت می‌کرد... من هرچی بشه، بابام همش هوام رو

داره».

از طرف دیگر این حمایت می‌تواند با عنوان تسهیلگری برای فرد باشد؛ به عبارتی دیگران بنا بر تجربه و شرایطی که خود با آن مواجه بوده‌اند، با سهولت در شرایط پیرامونی زمینه‌های حمایت از فرد را فراهم می‌کنند. یلدا می‌گوید:

«آبجیام... با بابام صحبت می‌کردن که خیلی بهش گیرنده

و هنوز بچه‌س و بذار راحت باشه و کم‌کم برسه به سنی که باید

رعایت کنه... آبجی اولیم نه، ولی آبجی دومیه خیلی کمکم کرد،



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذاردن بلوغ...

چون خودشم تو این مرحله بود. خودش درک می‌کرد من چی دارم می‌گم و خیلی زمینه‌ها رو فراهم می‌کرد که راحت باشم».

شرایط مداخله‌گر

شرایط مداخله‌گر را می‌توان چنین تعریف کرد: شرایطی ساختاری است که بر راهبردها تأثیر می‌گذارد و به پدیده تعلق دارد و بیشتر بر نیروهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلانی اشاره دارد که از بیرون از بستر بر بستر وارد می‌شود (کرسول، ۲۰۰۷). با توجه به نتایج مستخرج از داده‌ها، جنسیت برجسته در بلوغ شرط مداخله‌گر تحقیق است؛ به‌طورکلی رشد شخصیت نیز تا حد بسیاری در دوران بلوغ صورت می‌گیرد و تغییرات بسیاری به لحاظ کمی و کیفی در شخصیت فرد رخ می‌دهد. در این بین برگرفته از تغییرات بلوغ و جنسیت فرد احساسات متناسب با آن جنسیت در فرد رشد می‌کند که این احساسات می‌تواند متأثر از نظریات دیگران باشد؛ به‌طورمثال احساس غرور و مردانگی در این دوره به تبع جنسیت در فرد افزایش می‌یابد و با نشان دادن رفتارهای خاص خود سعی در نشان دادن آن حس غرور و مردانگی دارد یا برعکس به واسطه تغییرات زنانگی این احساسات خود را نشان می‌دهند؛ به‌طورکلی این بینش و احساسات از همان زمان بلوغ شروع می‌شود و ممکن است دائم در حال اثبات آن باشند و برای اثبات به کارهای خطرناک اقدام کنند. مهدی می‌گوید:

«آره...! گفتن تو دیگه مرد شدی و خیلی از کارا رو نباید

انجام بدی و از این لحاظ آره»!

چنانچه پیداست این احساس می‌تواند از جانب دیگران به فرد داده شود و انتظارات دیگران از فرد زمینه‌های رشد این غرایز را فراهم آورد. دانیال می‌گوید:

«نه...! حالا یه سری رفتارها بود خوب! که نباید انجامش

می‌دادم و الان داره اذیتم می‌کنه، مثلاً مادرم می‌گه تو قبلاً

این طوری بودی اون طوری بودی. باید برا خودت مردی باشی.

چرا این جوری نیستی؟! خوب! این اصلاً خوب نبود».



پدیده

پدیده ناظر بر اتفاق، حادثه، واقعه و فکری محوری بوده است که از علل ناشی می‌شوند. مسئله بلوغ و محدودیت اجتماعی پدیده تحقیق است؛ به عبارتی در دوران بلوغ به خاطر حساسیتی که وجود دارد، نوجوانان ممکن است برخی محدودیت‌ها را تجربه کنند. برخی بزرگسالان نسبت به بلوغ و نوجوانی نگرش و عقاید کلیشه‌ای و محدودکننده‌ای دارند که این مورد در خانواده‌های سنتی بیشتر به چشم می‌خورد و ممکن است با تکیه بر همین نگرش، محدودیت‌هایی را برای دختران و پسران در سن بلوغ ایجاد کنند یا گاه والدین درک و شناخت عمیق و درستی از بلوغ و تغییرات آن ندارند و تغییرات رفتاری فرزندان خود را به منزله سرپیچی و سرکشی از توصیه‌های خود می‌دانند که این تفکر موجب بالاگرفتن بحث میان والد و فرزند می‌شود. مسئله محدودیت‌های احتمالی از فردی به فرد دیگر و به‌طورکلی از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت است و به‌صورت نسبی بروز پیدا می‌کنند. یلدا می‌گوید:

«خب! از یه سنی به یه سن دیگه بود و محدودیت بود، مثلاً

من بچه بودم می‌رفتم تو کوچه بازی می‌کردم، ولی از یه جایی به بعد گفتن نه! نباید بری تو کوچه بازی کنی، مثلاً می‌گفتن: تو بزرگ شدی نباید این کارا رو انجام بدی، دیگه نباید راحت هرهر کرکر کنی، مثلاً رفیقای من همشون پسرن و می‌گفتن دیگه نباید باهاشون بگردی و برا من سخت بود، چون ما دختر نداشتیم و همشون پسر بودن. می‌گفتن تو به این سن رسیدی، نباید با اونا باشی و دوست نداشتم بزرگ بشم و دوست داشتم تو همون سن بمونم».

مبینا می‌گوید:

«می‌گفتم: بذارید کارای قبلی رو انجام بدم. یه جاهایی مسیرش رو بابام فراهم می‌کرد، می‌گفت: دوست داری تو خیابون بستنی بخوری؟ می‌رفتم یه جای خلوت می‌گرفتم



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذار در بلوغ...

می خوردم. دوستای تو کوچه رو بابام می گفت: دیگه باهاشون حرف نزن! چون پسر بودن».

استراتژی

درواقع استراتژی‌ها راهبردهایی هستند که در پاسخ به پدیده ارائه می‌شوند. با توجه به چیزی که از داده‌ها فهم می‌شود، استراتژی مورد استفاده در اینجا مسئله حسرت و پشیمانی در بلوغ است. حسرت می‌تواند از عوامل متعددی نشئت گیرد. چنین عوامل و احساسات ناخوشایندی به مرور می‌توانند بر زندگی تأثیرگذار باشند. به دلیل تغییرات روحی روانی که فرد در دوران بلوغ تجربه می‌کند ممکن است تصمیم‌هایی بگیرد و اعمالی انجام دهد که بعد از انجام آنان پشیمان شود و یا برعکس به دلیل انجام ندادن کارهایی حسرت عمل به آنان را داشته باشد که این عوامل متأثر از عدم آگاهی یا آگاهی نسبی از تغییرات بلوغ است. هرچه میزان آگاهی از بلوغ بیشتر باشد احتمال حسرت یا پشیمانی‌های آتی کمتر است و فرد با آگاهی بیشتری به سمت بلوغ قدم برمی‌دارد و با آن روبه‌رو می‌شود. علی می‌گوید:

«یه خرده با شادی بیشتری، یه خرده خشک بود این دوره برام

و دوست داشتم تجربه بیشتری کسب می‌کردم راجبش».

انتظارات و حسرت‌های مرتبط با دیگران نیز حائز اهمیت است؛ چراکه افراد از اطرافیان خود انتظار آگاهی و شفاف‌سازی‌های بهتری در زمینه شرایط بلوغ خود داشتند که بنابر انتظارات خود از آن محروم بودند. آرزو می‌گوید:

«دوست داشتم که یه سریا یه سری حرفای اشتباه رو نمی‌زدن

بهم که باعث بشه جبهه بگیرم نسبت به یه سری چیزا و الان

بخواد رو روابطم تأثیر بذاره، مثلاً می‌گفتن الان که بزرگ شدی و

تغییرات رو داشتی و داری یه دختر بالغ می‌شی جامعه برات

خطرناک تره».



به طور کلی معتقدند اگر آگاهی و زمینه چینی بهتری برای آنان فراهم می شد توانایی بهتری برای رویارویی با شرایط بلوغ داشتند و پیامدهای منفی کمتری گریبان گیر آنان می شد. آرمان می گوید:

«مثلاً خیلی از چیزایی رو که واجب بود نمی گفتن و بیشتر خودم فهمیدم. مثلاً واضح تر حرف می زدن و یه سری چیزا راجب اعتماد به نفس و این تغییراتی که ممکنه تو این چندسال باشه یا مثلاً خانواده درست حسابی باهام صحبت می کردن، خیلی بهتر می شد، ولی درکل خیلی هم بد نبود».

پیامدها

نتیجه و ثمره راهبردهایی را که کنشگران آنها را در مواجهه با شرایط زمینه ای و مداخله گر و پدیده مرکزی اتخاذ می کنند می توان همان پیامد دانست. از جمله پیامدهای مورد بررسی، گذار پرگداز از بلوغ است. تغییرات بلوغ گاهی آن قدر سریع اتفاق می افتد که فرد آمادگی و توان رویارویی با آن را ندارد و موجب فشار روحی روانی بر فرد می شود که این باز به دلیل عدم شناخت و آگاهی اندک نسبت به بلوغ است، فرد راه مقابله و وفق پذیری با بلوغ را نمی داند و کم کم تسلیم شرایط می شود و خود را موجودی تنها و مورد غفلت از سمت دیگران می داند و در این دوران با مشکلات عمده از جمله عدم تمرکز حواس در درس مواجه می شود. برخی از افراد این گذر سخت از بلوغ را تجربه می کنند و برحسب عدم اطلاعات کافی از بلوغ نمی توانند از چالش های این دوران به آسانی گذر کنند و گاه ممکن است این گذر سخت نتیجه بلوغ زودرس در فرد باشد که آمادگی لازم را از فرد می گیرد. دانیال می گوید:

«خیلی سخت بود. دوره خیلی سختی بود... اینکه خودم رو تونستم بشناسم. تو وقتی پات رو می ذاری تو سن نوجوانی خودت رو می شناسی واقعاً، خب! این خیلی سخت می شه واست. خودم رو خیلی شناختم».



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذاردن بلوغ...

میشم می‌گوید:

«هیچ شناختی! خیلی سریع گذشت، خیلی سخت بود، خیلی! به خاطر همین تغییرات خیلی عجیب غریب بود، یعنی اون قدر توی برهه‌ی بدی بودیم اصلاً نمی‌فهمیدیم چطوری داره می‌گذره، این قد درگیر چیزای چرت و پرت بودیم که نفهمیدیم».

پیامد دیگری که از نتایج برمی‌آید، گذر موفق از بلوغ/ مدیریت موفق است. اغلب با توجه به شناخت و درک درستی که بلوغ و تغییرات جسمی و روحی آن دارند و به تبع به دلیل آموزش‌های خانوادگی یا جامعه یا حمایتگری و راهنمایی آنان، فرد گذر موفق از بلوغ دارد و به آسانی این دوران پرماجرا را پشت سر می‌گذارد. با مدیریت درست می‌توان روند تغییرات بلوغ را به راحتی طی کرد تا جایی برای حسرت و پشیمانی باقی نماند و به بهترین شکل بتوان از این دوران بهره برد. علی می‌گوید:

«خب! حالا متوسط و روال عادی بوده و کار خاصی انجام ندادم، یه خرده سختی‌هایی داشته به هر حال، ولی خب! سعی کردم با موفقیت سپریش کنم، بالاخره آدم حس بزرگ شدن و مرد بودن پیدا می‌کنه و فکر می‌کنه خبریه؛ در صورتی که خبری نیست».

سوگند می‌گوید:

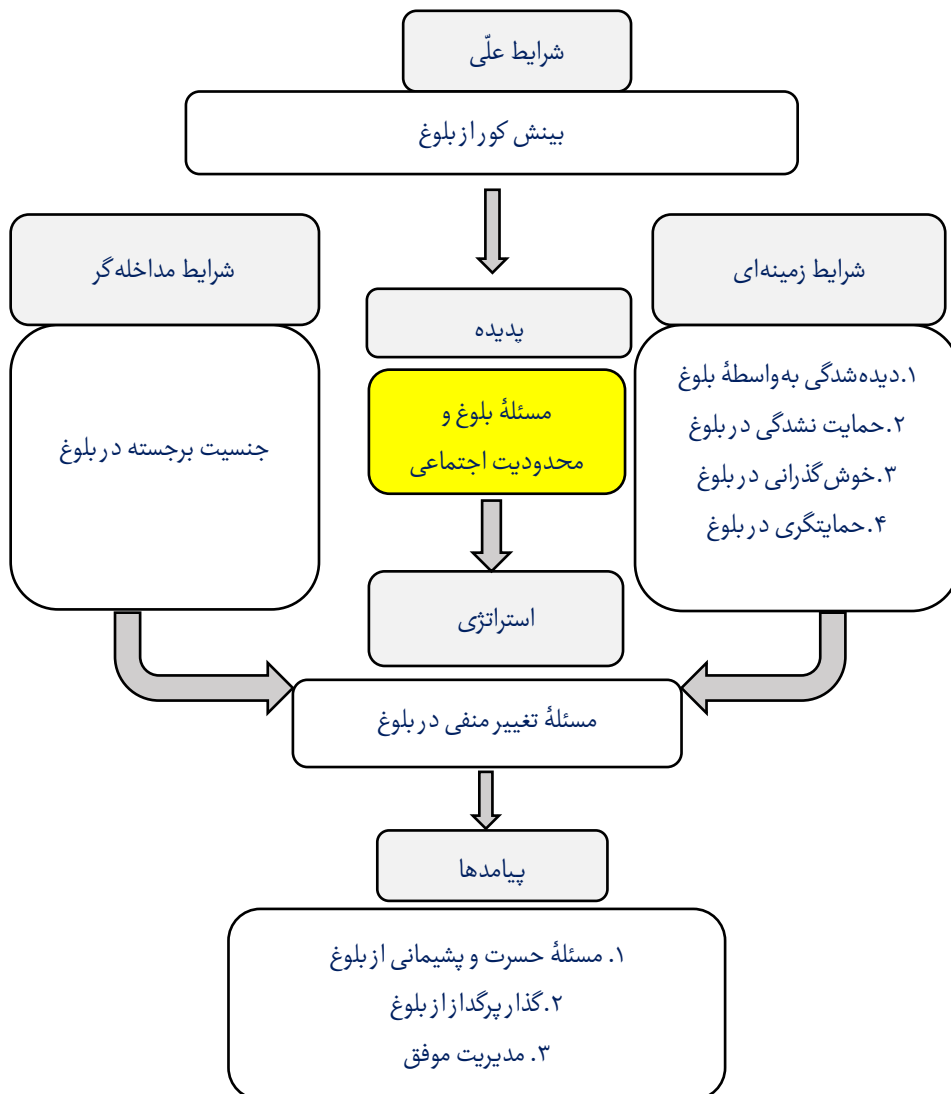
«دوران خوبیه اگه اداره بشه... اگه قراره درگیر جنس مخالف و دوست مجازی بشی، خیلی دوران سختی می‌شه، ولی اگه فکرت بازی و سرگرمی و گشتن و دوستانات باشه، خیلی دوران شیرینی می‌شه، خاطره می‌شه برات».

مدل پارادایمی تحدید و تهدید بلوغ

چنانچه گفته شد فرایند و فعالیت‌های صورت‌گرفته در تحقیق را می‌توان به صورت مدل پارادایمی نمایش داد. چنانچه پیداست مدل متشکل از پنج قسمت شامل شرایط علی،



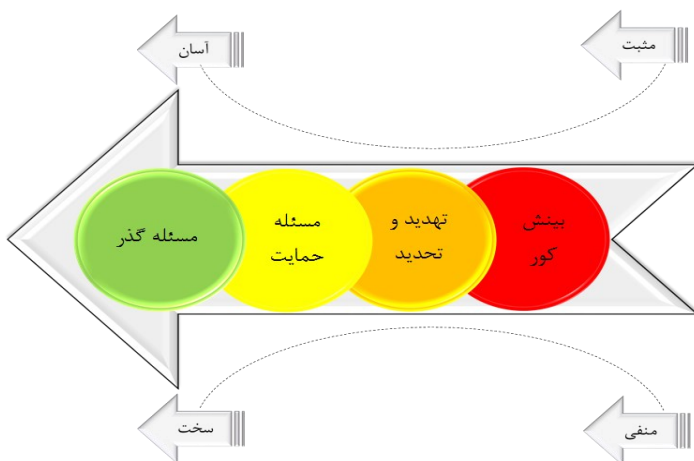
شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، استراتژی و پیامدهاست. آنچه به‌عنوان پدیده شناخته می‌شود در مرکز مدل واقع شده است و سایر فعالیت‌های تحقیق حول آن شکل گرفته‌اند. جریان فرایندها و فعالیت‌هایی که در بستر این تحقیق اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که پدیده مرکزی در مقوله هشتم، «مسئله بلوغ و محدودیت اجتماعی» بوده است؛ بدان معنا که تجربه مشارکت‌کنندگان به‌واسطه بینش کور و اطلاعات اندک همراه با کلیشه‌های محدودکننده اطرافیان بوده است، برای نوجوانان محدودیت آفرین بوده است.



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذارد در بلوغ...

بحث و نتیجه‌گیری

سیر جریان‌ات بلوغ را می‌توان به کمک مدل زیر نشان داد. آنچه از مدل برداشت می‌شود سیر و روندی است که هر فردی ممکن است در دوران بلوغ با آن مواجه شود. گاه افراد به سبب نداشتن آگاهی با بینشی کور وارد این سیر گذار می‌شوند. گفتنی است که این بینش تنها مختص نوجوانان و جوانان نیست، بلکه خانواده و اطرافیان آنان را نیز دربرمی‌گیرد و به‌واسطهٔ چنین بینشی با محدودیت‌ها و خطراتی که آنان را تهدید می‌کند مواجه می‌شوند؛ به عبارت دیگر فرد در این دوران شاید بیش‌ازپیش به حمایت دیگران نیاز پیدا کند و مسئلهٔ حمایت پررنگ‌تر می‌شود؛ درواقع افراد، همان‌طور که از مدل پیداست، اگر با آگاهی و حمایت اطرافیان وارد این سیر و جریان بلوغ شوند، به‌نسبت گذر راحت‌تر و آسانی را تجربه می‌کنند و به‌تبع اگر بینش کافی و حمایتی در میان نباشد، ممکن است افراد با محدودیت‌ها و تهدیدات بی‌شماری مواجه شوند و گذر سختی را تجربه کنند؛ به‌طورکلی این گذار به‌صورت یک فلش نمایان است.



به طور کلی می‌توان گفت آن چیزی که مورد توجه است چگونگی گذران بلوغ است. شرایط بلوغ و شیوه گذران آن متناسب با شرایطی که هر فرد در آن پرورش می‌یابد و موقعیت خانوادگی، اجتماعی، جغرافیایی که دارد متفاوت است، اما در مقابل با توجه به شرایط زیسته بلوغ و نوجوانی تا حدودی همه افراد در این برهه سنی شرایط مشابهی را تجربه می‌کنند و می‌توان موارد مشابهی از تجربیات را مشاهده کرد. افراد لازم و انتظار دارند از سوی نهادهای مختلف، قبل از مواجهه با شرایط بلوغ، به آگاهی نسبی در رابطه با این برهه سنی و بلوغ برسند و طبیعی بودن چنین شرایطی و تغییراتی که در انتظار آنان است، شفاف‌سازی و آموزش داده شود، اما به سبب فرهنگ سنتی و جوامع سنتی در حال گذار، مسائل مربوط به بلوغ و شرایط جنسی افراد همچنان تابو بوده است و غیر از نسل نوجوان کسی میل به تابوشکنی بلوغ ندارد. در همین بین افراد در چینی برهه حساسی از زندگی با فقر آگاهی و بینشی کور از بلوغ سروکار دارند. چگونگی گذر از بلوغ تا حد بسیاری به آگاهی و بینشی وابسته است که از قبل برای فرد و اطرافیان آن فراهم گشته است. با توجه به آگاهی که وجود دارد، بستری مناسب برای نوجوان مهیا خواهد شد که با وجود چنین بینش و حمایتی، فرد بلوغ راحتی را پشت سر خواهد گذاشت؛ برعکس آموزش ندادن و حمایت نکردن از فرد می‌تواند خطرات و آسیب‌های جبران‌ناپذیری برای فرد به ارمغان آورد؛ چراکه نوجوانی و اعمالی که در این دوران انجام می‌شود، تأثیر مستقیمی بر الگوهای زندگی او در آینده دارد.



منابع

- ابویی، آزاده، توکلی، محمد، و صلح‌نشان، محمد (۱۴۰۲). کفایت و پذیرش اجتماعی والدین تا چه اندازه تغییرات بلوغ و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان را تبیین می‌کند؟ مطالعه‌ای در شهر یزد. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۱ (۲): ۱۶۷-۱۸۲.
- احدی، حسن، و جمهری، فرهاد، (۱۳۷۷)، روانشناسی رشد: نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی و پیری)، تهران: انتشارات آینده درخشان.
- احمدی، حبیب، مرزبان، مریم، و روحانی، علی (۱۳۹۰). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مرتبط با سلامت روانی دانشجویان دانشگاه شیراز. *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱ (۱): ۹-۳۵.
- استراوس، انسلم، کرین، جولیت، (۱۳۹۶)، مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای (ترجمه ابراهیم افشار)، تهران: نشر نی.
- ایمان، محمدتقی، (۱۳۸۸)، مبانی پارادایمی روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم انسانی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ایمان، محمدتقی، و روحانی، علی. (۱۳۹۲). هویت اسلامی و هویت‌های رقیب (هویت جهانی، ملی و قومی)؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، ۶ (۱): ۱۴۸-۱۲۷.
- <https://doi.org/10.7508/ijcr.2013.21.006>
- باقری کراچی، امین، رضایی فرد، اکبر، و مهربانی، امیرحسین (۱۳۹۷). میزان آشنایی دانش‌آموزان با تحولات بلوغ و رابطه آن با نگرش به آسیب اجتماعی. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۷ (۳) (پیاپی ۲۵): ۶۱-۶۸.
- برک، لورا، (۱۳۹۲). روان‌شناسی رشد (ترجمه یحیی سیدمحمدی)، دو جلد، تهران: ارسباران.
- جعفری‌نژاد، ابوالفضل (۱۳۸۷). بحران هویتی در جوانی و نوجوانی. *ماهنامه زمانه*، ۶۷ و ۶۸: ۲۵-۳۰.
- حریری، نجمه (۱۳۸۵). اصول و روش‌های پژوهش کیفی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- حسین‌خانی، هادی (۱۳۸۵). نگاهی به تحولات دوران نوجوانی (جسمی، جنسی، شناختی، اخلاقی). *معرفت*، ۱۰۴: ۲۶-۳۳.



- خواجه‌نوری، بیژن، ریاحی، زهرا، و مساوات، ابراهیم (۱۳۹۲). رابطه سبک زندگی و میزان دینداری جوانان. مورد مطالعه جوانان شهر شیراز. *علوم اجتماعی شوشتر*، ۵ (۲۰): ۱۳۰-۱۰۳.
- شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱)، *جوان و بحران هویت*، تهران: انتشارات سروش.
- عباسی، ژیلا، خدای، علیرضا، و کریمی، مجیدرضا (۱۳۹۹). بررسی ارتباط شبکه‌های اجتماعی با بلوغ زودرس دختران سطح اول متوسطه شهر شیراز. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، ۳ (۳): ۲۷۷۵-۲۷۹۰.
- کرسول، جان. دلبلیو (۱۳۹۴)، *طرح پژوهش (رویکردهای کمی، کیفی و شیوه ترکیبی)* (ترجمه حسن دانائی فرد و علی صالحی)، تهران: مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- کشاورز، مصطفی، میرزایی، سروناز، و محمدجانی، اسمعیل (۱۳۹۷). «بلوغ و بحران هویت در دوران نوجوانی و نقش آن در دوست‌یابی»، اولین همایش هویت کودکان ایران اسلامی در دوره پیش‌دبستانی استان یزد.
- کلاته‌ساداتی، احمد، عادل‌خواه، فاطمه، و شمس‌الدین‌قطرم، فاطمه (۱۴۰۳). تجربه بلوغ در بین دختران تک‌والد پدر سرپرست؛ یک مطالعه کیفی در شهر یزد. *زن در توسعه و سیاست*، ۲۲ (۱): ۱۱۵-۱۴۲.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). *تجدد و تشخیص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید* (ترجمه ناصر موفقیان)، تهران: نشر نی.
- محسنی‌زاده، مصطفی، عبادی‌نژاد، زهرا، دشتگرد، علی، و مودی، آسیه. (۱۳۹۶). تأثیر آموزش بهداشت دوران بلوغ بر آگاهی و سلامت عمومی دختران مقطع راهنمایی شهرستان قائن. *پژوهش پرستاری*، ۱۲ (۴۷): ۲۸-۳۷.
- مرادی، شکیلا، و روحانی، علی (۱۴۰۱). زیست‌جهان مقاوم در آستانه جوانی، مطالعه فرایند شکل‌گیری انتظارات فزاینده در جوانان. *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۱ (۳۸): ۱۱۵-۱۳۸.
- نظری غریب‌دوستی، ابوالفضل (۱۴۰۰). بررسی تأثیر بلوغ زودرس بر نوجوانان. *مجله علمی رویکردهای پژوهشی در علوم اجتماعی*، ۷ (۲۵): ۳۱-۳۹.



تهدید و تحدید بلوغ، مطالعه‌ای کیفی از فرایند گذاردن ربلوغ...

Casazza, K., Ciccazzo, M. (2007). The method of delivery of nutrition and physical activity information may play a role in eliciting behavior changes in adolescents. *Eat Behav*, 8(1), 73-82.

Dongre. A. R., Deshmukh. P. R., Garg. B. S. (2007). The effect of community based health education intervention on management of menstrual hygiene among rural Indian adolescent girls. *World Health Popul*. 9(3), 48 - 54.

Christine, A. Collier – Harris., Juliette, D. G. (2017). Is puberty education evident in Australia's first national Curriculum? *Journal of Sex Education*, 17(1), 57-72.

Cousineau. T. M, Franko. D. L, Trant. M, Rancourt. D, Ainscough. J, Chaudhuri. A, Brevard. J (2010). Teaching adolescents about changing bodies: Randomized controlled trial of an Internet puberty education and body dissatisfaction prevention program. *Body Image* 7(4), 296–300.

Frankel, K. N. (1990). Girls' perceptions of peer relationship support and stress. *Journal of Early Adolescence*, 10(1), 69_88.

Iman, M. T., & Rouhani, A. (2013). Islamic Identity and the Competitive Identities (Global, National and Ethnic Identity): A Case Study of Shiraz Students. *Iranian Journal of Cultural Research*, 6(1), 127-141.

Kapadia-Kundu. N, Storey. D, Safi. B, Trivedi. G, Tupe. R (2014). Seeds of prevention: The impact on health behaviors of young adolescent girls in Uttar Pradesh, India, a cluster randomized control trial. *Social Science & Medicine* 110 (120) 169-179.

Khajenoori, B., Ruhani, A., & Hashemi, S. (2012). Tendency towards Veil and Different Lifestyles Case Study: Shiraz Women. *Journal of Applied Sociology*, 23(3), 141-166.

Schmitt, M. L., Hagstrom, C., Nowara, A., Gruer, C., Adenu-Mensah, N. E., Keeley, K., & Sommer, M. (2021). The intersection of menstruation, school and family: Experiences of girls growing up in urban cities in the USA. *International Journal of Adolescence and Youth*, 26(1), 94-109.



Simmons, C., Steinberg, L., Frick, P. J., & Cauffman, E. (2018). The differential influence of absent and harsh fathers on juvenile delinquency. *Journal of adolescence*, 15(62), 9-17.

Wibbelink, C. J., Hoeve, M., Stams, G. J. J., & Oort, F. J. (2017). A meta-analysis of the association between mental disorders and juvenile recidivism. *Aggression and Violent Behavior*, 33(1), 78-90.

Widyatuti, W, Shabrina, C.H. Nursasi, A. Y. (2018). Correlation between parent-adolescent communication and adolescents' premarital sex risk. *Enfermeria clinica*, 28(1), 51-54.



The threat and limitation of puberty: A qualitative study of puberty transition among students at Yazd University

Ali Ruhani, Alireza Afshani, Shakila Moradi

Abstract

Adolescence is a process in which a person's personal and social identity is formed. Moreover, the teenager faces countless crises at this stage of his/her life, which is a transitory process from childhood to adulthood. These crises affect the formation of identity and personality. One of the processes that lead teenagers to face certain changes is the hard period of puberty. The transition from this period, which is accompanied by many physical and mental changes, is not easy for a teenager. Thus, an attempt was made to empirically examine the transition process during puberty in this research. To this end, the grounded theory method with a systematic approach was used. Based on the inclusion criteria, 19 young people aged 18-19 who just completed their adolescence were selected and in-depth interviews were conducted with them. The selection of this community was based on their relative distance from puberty. The collected data were analyzed using open, axial and selective coding. The findings of the study in the form of 11 main categories included blind vision of puberty, being seen through puberty, lack of support in puberty, outstanding masculinity in puberty, the issue of puberty and social restrictions, the issue of negative change in puberty, etc. Then, in the form of axial coding, these data were presented in the form of a paradigm model, and finally, in the stage of selective coding, the experimental theory of the research was presented.

Keywords: Puberty, social restrictions, masculinity, femininity, Yazd.

